



حسین معافی مدرس دانشگاه

«امید» کلمه‌ای است که این روزها بیش از هر زمان دیگری به آن نیاز داریم و این امر را می‌توان از افزایش مهاجرت‌ها به کشورهای مختلف و خروج سرمایه به پنهان خرید ملک در کشور همسایه به‌وضوح مشاهده کرد.

با وجود اینکه استان مرکزی پایتخت صنعتی ایران است، نرخ بی‌کاری در خیلی از شهرستان‌های آن بالااست و این موضوع باعث نگرانی جوانان و مهاجرت آنان از روستاها به شهرها و از شهرها به خارج از کشور شده است. ازدواج، اشتغال و مسکن از دغدغه‌های اصلی جوانان است که اگر توسط مسئولان مورد توجه جدی قرار نگیرد و راهکارهای عملی ارائه نشود، به یک چالش اساسی در آینده تبدیل خواهد شد.

راهکارهای استتصاویری از نقرات برتر کنکور سال ۸۰ در فضای مجازی ویرال می‌شود که این نقرات برتر در کشورهای اروپایی و آمریکا از جایگاه‌های بالایی برخوردار هستند و از ایران مهاجرت کرده‌اند. آموزش‌وپرورش هزینه‌های زیادی را برای به‌نمررسیدن دانش‌آموزان صرف می‌کند تا در آینده از توانمندی و استعداد این جوانان در پیشرفت کشور استفاده کند، ولی متأسفانه امروز شاهد مهاجرت خیلی از فارغ‌التحصیلان

و نخبانگ و رتبه‌های برتر کنکور هستیم. پزشکان، پرستاران، مهندسان و متخصصان ازجمله افرادی هستند که طبق آمار مراجع ذی‌صلاح، دست به مهاجرت می‌زنند. چیزی که عجیب است نتایج تحقیقات میدانی از دانش‌آموزان متوسطه اول و دوم است که نشان می‌دهد حدود ۵۰ درصد از آنها به فکر مهاجرت و خروج از کشور هستند. این آمار به نوبه خود اگر چه پایین‌تر از این هم باشد، می‌تواند برای آینده کشور بسیار نگران‌کننده باشد. معمولاً کودکان فقط به زمان حال، جوانان فقط به آینده و سالخورده‌ها فقط به گذشته فکر می‌کنند، ولی انسان عاقل کسی است که هم مانند کودکان به فکر حال باشد و هم مانند جوانان به آینده نگاه کند و هم مانند سالخورده‌ها از گذشته خویش تجربه کسب کند. در عصر انفجار اطلاعات و ارتباطات و گسترش شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی باعث شده جوانان زندگی و امکانات شهر و دیار خود را با سایر کشورهای پیشرفته مقایسه کنند و خواستار رسیدن سریع و بدون زحمت به این امکانات و تجهیزات باشند و تنها راه ممکن را مهاجرت از ایران می‌دانند که البته خیلی از این مهاجران هم نمی‌توانند به آمال و آرزوهای خود بعد از مهاجرت برسند. بیش از هر چیز جوانان به امید نیاز دارند،

جوانان را به آینده امیدوار کنیم

امید به آینده‌ای روشن که بتواند استعداد و توانایی خود را به منصفه ظهور برساند و برای کشور خود تلاش و کوشش کرده و نقش آفرینی کند.

جوانان نسل z یا همان دهه‌هشتادی‌ها، ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارند که مسئولان نباید خود را با آنها مقایسه کنند، بلکه باید شرایط آنان را درک کرده و امکانات جامعه و شرایط تحصیل و اشتغال را طوری برای آنها فراهم کنند که به نیاز و خواست آنان نیز توجه شود. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: فرزندانان را بر آداب خود تربیت نکنید، چراکه آنها برای آینده و زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند.

اگر موج مهاجرت در سال‌های گذشته دلایل سیاسی به همراه داشت، تب اخیر مهاجرت، دیگر سیاسی نیست. پای صحبت هرکدام از متقاضیان مهاجرت که بنشینیم، مشکلات اقتصادی، اجتماعی و امید را از دلایل خود برای میل به مهاجرت می‌دانند. در سال‌های گذشته برخی مسئولان اعلام کردند ۱٫۵ میلیون ایرانی در صف مهاجرت به استرالیا و کانادا هستند و این عدد که امروزه حتماً بیشتر شده، نگران‌کننده است. خروج نیروهای کارشناسی و ورزیده به اقتصاد ملی آسیب می‌زند و یکی از دلایل تهیدست شدن

کشور خود تلاش و کوشش کرده و نقش آفرینی کند.

جوانان نسل z یا همان دهه‌هشتادی‌ها، ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارند که مسئولان نباید خود را با آنها مقایسه کنند، بلکه باید شرایط آنان را درک کرده و امکانات جامعه و شرایط تحصیل و اشتغال را طوری برای آنها فراهم کنند که به نیاز و خواست آنان نیز توجه شود. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: فرزندانان را بر آداب خود تربیت نکنید، چراکه آنها برای آینده و زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند.

اگر موج مهاجرت در سال‌های گذشته دلایل سیاسی به همراه داشت، تب اخیر مهاجرت، دیگر سیاسی نیست. پای صحبت هرکدام از متقاضیان مهاجرت که بنشینیم، مشکلات اقتصادی، اجتماعی و امید را از دلایل خود برای میل به مهاجرت می‌دانند. در سال‌های گذشته برخی مسئولان اعلام کردند ۱٫۵ میلیون ایرانی در صف مهاجرت به استرالیا و کانادا هستند و این عدد که امروزه حتماً بیشتر شده، نگران‌کننده است. خروج نیروهای کارشناسی و ورزیده به اقتصاد ملی آسیب می‌زند و یکی از دلایل تهیدست شدن

کشور خود تلاش و کوشش کرده و نقش آفرینی کند.

جوانان نسل z یا همان دهه‌هشتادی‌ها، ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارند که مسئولان نباید خود را با آنها مقایسه کنند، بلکه باید شرایط آنان را درک کرده و امکانات جامعه و شرایط تحصیل و اشتغال را طوری برای آنها فراهم کنند که به نیاز و خواست آنان نیز توجه شود. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: فرزندانان را بر آداب خود تربیت نکنید، چراکه آنها برای آینده و زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند.

اگر این بیانیه جرم باشد یعنی هرگونه نقد و ارائه راهکار در صورتی که مطلوب مسئولان نباشد جرم است. با وجود اینکه اغلب بیانیه‌های کنشگران مدنی و سیاسی در ایران دارای نکات مهم و قابل توجه است و مشخصاً نوشته‌های خود آقای مدنی بیانگر راه‌حل نیز هست اما اگر فرض را بگذاریم بر اینکه بیانیهای خود ایشان نظرات نادرست است، اما حق آزادی بیان به معنای حق بیان حرف درست نیست. اولاً مرجع تشخیص درستی و نادرستی کیست؟

بدون شک حوزه عمومی و خرد جمعی مرجع تشخیص است و لازمه این تشخیص بیان همه آرا و نظرات است تا از میان آنها حرف درست و نادرست معلوم شود که امام علی(ع) دقیقاً همین معنا را این‌گونه بیان می‌کند که *اِضْرُبُوا بَعْضَ الْارَایِ بَعْضَ یَتَوَلَّوْا مِنْهُ الصُّوَابُ*؛ از تضارب افکار درست و نادرست است که اندیشه صواب متولد می‌شود. به همین روی امام علی وظیفه حاکم می‌داند که اندیشه صواب برگزارد و برای تشریحی و تدد خوبی باشد تحمل کند و تعبیرش دقیقاً این است: *اَوْحَتْمِلِ الْخُرْقَ مِنْهُمُ وَالْعَبْیَ، وَنَحَّ عَنَّهُمُ الصِّیْقَ وَالْأَنْفَ.*».(امام ع) در سیره عملی‌اش در دوره قدرت نیز وقتی که خوارج و مخالفانش در کوی و برزن و مسجد به او دشنام می‌دادند و حتی در سخنرانی‌اش اذیت ایجاد می‌کردند، اجازه نمی‌داد هیچ‌کس متعرض آنان شود.

۴- یکی از اتهامات این است که متهم پیش‌نویس متنی را که در آن از لزوم اصلاح یا تغییر قانون اساسی سخن گفته، به دست کروبی و موسوی رسانده است.

اصولاً اگر تلاش برای تغییرِ قانون اساسی از طریق بحث و بیانیه و سازوکارهای مدنی جرم باشد، چرا واضعین قانون اساسی در اصل ۱۷۷ از امکان بازنگری در قانون اساسی سخن گفته‌اند. نه از اصل ۲۴ قانون اساسی (حق آزادی بیان) و اصل ۸ (امر به معروف و نهی از منکر) اجازه می‌دهد و مکلف می‌کند که شهروندان نظرات خود را درباره آنچه به سرنوشت خودشان مربوط می‌شود، بیان کنند.

۵- هرچند موضع نگارنده صرفاً حقوقی و حقوق بشری و منصرف از سیاست است، اما برخی نکات دادنامه به وضوح بیانگر رویکرد دکتر مدنی در نفی ختمی‌ی براندازی و اهتمام به تغییرات اصلاحی است. آیا این رویکرد از نظر حقوقی، جرم است؟ فارغ از اینکه ما موافق یا مخالف این رویکرد باشیم اینکه سعید مدنی نزد محمد خاتمی رفته و از وی می‌خواهد که با اتخاذ موضعی به عنوان لیدر معترضان نقش ایفا کند، معنایی جز این ندارد که مایل نیست رشته هدایت اعتراضات در دست نیروهایی در خارج از کشور باشد که بستگی‌های قابل قبولی ندارند و ترجیح می‌دهد شخصیت‌های معتمدی مانند خاتمی در داخل کشور، هدایت‌کننده باشند.

۶- بخشی از اتهام دوم مربوط به شوریای ملی مذهبی است که آقای مدنی در پرونده سابق محکوم شده و تکرار آن بلاوجه است. یکی دیگر از آنها همکاری با انجمن ترویج حقوق شهروندی است که انجمنی قانونی و دارای پروانه است و آقای مدنی فقط با آن همکاری مطلق داشته. چگونه می‌توان برای همکاری با انجمنی که پروانه رسمی دارد و مؤسسان و اعضای دیگر آن آزادانه فعالیت می‌کنند به عنوان یکی از مصادیق تشکیل و اداره گروه‌های معاند نظام، مجازات مقرر کرد؟

خاتمه

با اوصافی که در دادنامه آمده است، این شائبه به وجود می‌آید که هرکس جز آنچه را تریبون‌های رسمی می‌گویند بر زبان آورد، مستحق مجازات است و این سخن مکرر مقامات مختلف کشور که ما اعتراض و انتقاد را قبول داریم و با اغتشاش و آشوب مخالفیم، چه وجهی دارد؛ زیرا اگر کسی بگوید قانون اساسی باید اصلاح شود مجرم است، اگر کسی درباره شیوه خروج از انسداد سیاسی و انحصار جناحی سخن بگوید، مجرم است.

اگر بیان انسداد سیاسی تهمت است، انتخابات ۱۴۰۰ را چه می‌کنند؟ آیا کیفیت برگزاری آخرین انتخابات که حتی چهره‌های اصولگرایی که ریاست قوا و دیگر پست‌های کلیدی را داشتند، ردصلاحیت شدند، چه معنایی دارد؟ اگر اعتراض قبول و اغتشاش مردود است، چرا این احکام که سند انسداد سیاسی تلقی خواهد شد صادر می‌شوند؟ اساساً اگر کسی معتقد باشد انسداد سیاسی وجود دارد مگر جرم است؟

نقض حکم سعید مدنی و زندانیان مشابه می‌تواند این شائبه را باطل کند. صدور حکم ۹ سال زندان که هشت سال آن اجرائی است، به اندازه یک عمر مفید است. آیا چنین محکومیتی برای کسی که پیش‌تر شش سال زندان و چند سال تبعید را تحمل کرده پذیرفتنی است؟ از دادگاه محترم تجدید انتظار می‌رود در مقام قضاوت، به نقدهای حقوقی و خیرخواهانه التفات نمایند.

« آگهی اعلام مفقودی اسناد خودرو »

سند مالکیت وسیله نقلیه(برگ سبز) ،سند وفاکتور فروش خودرو (برگ کمپانی) و سند قطعی منتقل (بنچاق) خودرو سواری سیستم پراید تیبی جی تی ایکس آی مدل ۱۳۸۹ به شماره موتور: ۱۱۸۵ ۳۴۶۱ ،شماره شاسی: S۱۴۱۲۲۸۹۴۷۴۴۰۶ وسیله نقلیه: ۰۶۷۷۴۰۱۷۱۷۱IRPC۸۹۱ شماره پلاک انتظامی ۷۹۵ و ۳/۲ - ایران - ۳۰ به نام مالک آقای امیرمحمد محرمی فرزند رحمان متولد ۰۳.۱۷.۱۳۸۴. صادره از تهران به شماره ملی ۰۱۱۰۶۱۵۷۵۱ ه مفقود واز درجه اعتبار ساقط است، ب/ ۱۰۱ |

ادامه از صفحه اول

درخصوص اتهام اجتماع و تبانی جهت اقدام علیه امنیت کشور به جهت عدم کفایت دلیل با استناد به ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی و چهار قانون آیین دادرسی کیفری و اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حکم به برائت صادر می‌شود؛ ولی در دو اتهام دیگر محکوم و به استناد مواد ۴۹۸، ۵۰۰ و ۱۳۴ و بند ب ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی از جهت فعالیت تبلیغی به تحمل یک سال حبس و از جهت تشکیل و اداره گروهایی که برای رسیدن به اهداف خود که قصد برهم‌زدن امنیت کشور را دارند، به تحمل هشت سال حبس با احتساب ایام بازداشت قبلی محکوم می‌کند که چون اشد اجرا می‌شود، هشت سال از این ۹ سال اجرا می‌شود.

نقد دادنامه

اکنون ببینیم اگر کسی از مباحث حقوقی و پرونده خالی‌الذهن باشد و بخواهد فقط دادنامه را ملاک قضاوت و استناد خود قرار بدهد، به چه نتیجه‌ای می‌رسد؟

اتهام نخست: تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی

درباره تبلیغ علیه نظام، پیش‌تر در مقاله «تبلیغ علیه نظام؛ را باطل کنید» نوشته و تضاد ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی با غرض مقنن در وضع اصل ۲۴ قانون اساسی را بیان کرده و آن را تکرار نمی‌کنم و فقط خواننده را به آن ارجاع می‌دهم (روزنامه «شرق»، ش ۴۴۵۶ دوشنبه ۵ دی ۱۴۰۱ ص ۱ و ۴).

نیازی به دانش حقوقی و بحث‌های فنی هم نیست؛ زیرا مستند این اتهام سعید مدنی، مصاحبه با تلویزیون‌های خارج از کشور و شرکت در برنامه‌های کلاب‌هاوس است؛ درحالی‌که از نظر حقوقی نفس شرکت در آنها جرم نیست و باید دقیقاً ذکر شود کدام عبارت؟ به چه دلیل؟ و مطابق کدام ماده قانونی؟ جرم است. چنین چیزی در دادنامه نیست. کدام ماده قانونی مصاحبه یا رسانه‌های خارجی را جرم‌انگاری کرده است؟ مگر می‌توان نفس مصاحبه را جرم دانست؟ آنچه می‌تواند وصف مجرمانه پیدا کند، سخنی است که در مصاحبه بین می‌شود و قاضی باید مشخص کند کدام عبارت به چه دلیل و طبق کدام ماده وصف مجرمانه دارد. وضعیت حقوقی حضور در کلاب‌هاوس نیز مانند مصاحبه با رسانه‌های خارجی است. تنها موردی که در دادنامه به صورت صدافی ذکر شده، این است که «متهم پس از اغتشاشات مورخ ۱۴۰۰/۹/۵ در کلاب میدان آزادی به صراحت بیان می‌دارد خیابان تسخیر خواهد شد. شما می‌توانید جای خود را انتخاب کنید، در کنار انقلابیون هستید یا در کنار ضد انقلاب. در خیابان هم یا در کنار مردمی که مستأصل هستند و آمده‌اند در خیابان و دنبال خواسته‌شان هستند یا مقابل آنها قرار بگیرید یا بی‌طرف باشید.»

۱- مستندبودن یعنی دقیقاً عبارت و جمله‌ای که مورد شکایت است نقل شده و معنوی جرم است؟
ماده و دقیقاً گفته شود چرا و به چه دلیل و طبق کدام ماده قانونی واجد جنبه مادی و معنوی جرم است؟
۲- دکتر مدنی به‌عنوان یک تحلیلگر اجتماعی، روندی را پیش‌بینی کرده که سرانجام هرکسی را ناگزیر به انتخاب می‌کند که در کجا قرار بگیرد. او دستور و تعیین تکلیفی برای کنشگران حاکم و غیرحاکم نداشته است. اگر مدیران کشور به جای بهره‌گیری از پیش‌بینی‌های علمی و پیشگیری از حوادث، خود را به نشنیدن بزنند و با حوادث پیش‌بینی‌شده مواجه شوند، گناهش گردن تحلیلگر نیست و نمی‌توان او را مقصر به وجود آمدن حادثه دانست.
۳- فارغ از اینکه عبارت نقل‌شده از آقای مدنی چندر دقیق و مستند

برگ سبز موتور سیکلت دیسکاورنگ سبز مدل ۱۳۹۵
به شماره پلاک ایران ۱۳۴ - ۳۸۶۶۵ و شماره موتور JEMBFD00785 و شماره تنه N5P*150K9532413 به نام مجید شهر وی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.**

برگ سبز خودرو کوویک رنگ سفید مدل ۱۴۰۱
به شماره پلاک ایران ۹۱ - ۶۳۳ ب ۹۶ و شماره موتور M15/9768592 و شماره شاسی NAS84۱100N1158366 به نام فاطمه پناهی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو پژو 207i-MT رنگ سفید مدل ۱۴۰۱
به شماره پلاک ایران ۳۸ - ۸۶۲ ن ۲۴ و شماره موتور 166B0068993 و شماره شاسی NAAR03FE7NJ926045 به نام میر حسین جهانگیری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

« آگهی اعلام مفقودی اسناد خودرو »

سند مالکیت وسیله نقلیه(برگ سبز) ،سند وفاکتور فروش خودرو (برگ کمپانی) و سند قطعی مقول (بنچاق) خودرو سواری سیستم پراید تیبی جی تی ایکس آی مدل ۱۳۸۵ به شماره موتور: ۰۷۹۱ ۱۶۲۹۰ شماره شاسی: S۱۴۱۲۲۸۵۹۰۷۸۷۳ وسیله نقلیه: ۰۶۷۷۴۰۱۷۱۷۱IRPC۸۵۱ شماره پلاک انتظامی ۳۲۱ و ۵/۹ - ایران - ۷۸ به نام مالک آقای احمد قیداری فرزند اسدالله به شماره شناسنامه ۵۷۳۳ متولد ۰۲.۰۸.۱۳۳۷. صادره از بیجار به شماره ملی ۰۹۳۵۱۴۷۰۳۷۸ ه مفقود واز درجه اعتبار ساقط است، ب/ ه | ۱۰۱